Original Article **Open Access**

Health Law Journal

2025; 3: e16

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

The Impact of Poverty, Internal Migration and Instability on Food Security in Developing Countries

Hamid Reza Mahmoudishenas[1]

1. Department of Law, Facuty of Humanities, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Food security is one of the most fundamental principles of sustainable development. It encompasses various dimensions, including the availability of food, access to food, food consumption and the stability of food consumption. Food security can both be a cause and a consequence of sustainable development and is interrelated with factors such as poverty, migration and instability. This study examines the relationship between different dimensions of food security and these three factors, particularly in developing countries.

Methods: This research adopts a descriptive-analytical approach based on statistical data and credible academic sources concerning poverty, migration and instability. The study analyzes the impact of these factors on food security.

Ethical Considerations: Writing the present reasearch, While respecting the originality of the texts, honesty and trustworthinrss have been observed.

Results: The research findings indicate that poverty is one of the primary threats to food security, negatively affecting both consumers and producers. Poverty reduces producers' ability to procure raw materials, leading to a decline in supply and limiting consumers' access to food products. Rural-to-urban migration and the displacement of nomadic communities in societies reliant on traditional production methods are additional threats to food security, as they decrease supply while increasing demand. Consequently, food security in all its dimensions is compromised. Moreover, instability in food production and consumption systems - caused by factors such as water crises, loss of agricultural land and climate change - poses significant threats to food security. These disruptions affect all aspects of food security, leading to its overall decline.

Conclusion: Poverty, migration and instability are three principal causes of food insecurity. To enhance food security, policymakers must implement strategies aimed at poverty reduction, effective management of production resources and the promotion of sustainable development. Advancing technological capabilities in food production and maximizing economic equality can also contribute significantly to improving food security.

Keywords: Food Security; Instability; Internal Migration; Poverty

Corresponding Author: Hamid Reza Mahmoudishenas; **Email:** h.mahmoudishenas@ltr.basu.ac.ir

Received: August 09, 2025; **Accepted:** October 21, 2025; **Published Online:** November 28, 2025

Please cite this article as:

Mahmoudishenas HR. The Impact of Poverty, Internal Migration and Instability on Food Security in Developing Countries. Health Law Journal. 2025; 3: e16.

Copyright©2025, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره سوم، ۱۴۰۴

اندیشکده بین المللی کرامت انسانی | انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت | انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

تأثیر فقر، مهاجرت داخلی و ناپایداری در کاهش امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه

حمیدرضا محمودی‌شناس[1]

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امنیت غذایی یکی از مهم‌ترین مبانی توسعه پایدار است. امنیت غذایی دارای ابعاد مختلفی مثل موجودبودن مواد غذایی، دسترسی به مواد غذایی، مصرف مواد غذایی و ثبات مصرف مواد غذایی است که می‌تواند هم علت و هم معلول توسعه پایدار باشد. امنیت غذایی دارای ارتباط متقابل با عواملی، چون فقر، مهاجرت و ناپایداری است. مقاله حاضر به بررسی رابطه ابعاد مختلف امنیت غذایی با سه عامل فقر، مهاجرت و ناپایداری به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی ـ تحلیلی با استفاده از آمارها و منابع معتبر علمی انجام شده و با تحلیل داده‌های پیشین درباره فقر، مهاجرت و ناپایداری به بررسی تأثیر این عوامل بر امنیت غذایی می‌پردازد.

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل نگارش پژوهش حاضر ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری حفظ شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد، فقر یکی از اصلی‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی است که بر امنیت غذایی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اثر منفی دارد. فقر باعث کاهش توانایی تولیدکنندگان در تهیه مواد اولیه شده و نتیجتاً باعث کاهش عرضه و دسترسی مصرف‌کنندگان به محصولات غذایی می‌شود. مهاجرت روستانشنیان به شهر و سکنی‌گزینی عشایر در جوامع مبتنی بر روش سنتی تولید یکی دیگر از عوامل تهدید امنیت غذایی است. این مسأله باعث کاهش عرضه و افزایش تقاضا شده و در نتیجه میزان امنیت غذایی در تمام ابعاد خویش دچار مخاطره می‌گردد. دلایل متعددی مثل بحران آب، از بین‌رفتن اراضی کشاورزی و تغییرات آب و هوایی و اقلیمی باعث ناپایداری در نظام تولید و مصرف محصولات غذایی شده و با تهدید ابعاد مختلف امنیت غذایی، موجب کاهش امنیت غذایی می‌شود.

نتیجه‌گیری: فقر، مهاجرت و ناپایداری به عنوان سه دلیل اصلی بر کاهش امنیت غذایی تأثیر می‌گذارد. در راستای بهبود امنیت غذایی، لازم است سیاستگذاری‌هایی برای کاهش فقر، مدیریت مناسب منابع تولید و توسعه پایدار صورت بگیرد. افزایش سطح فناوری در تولید و به حداکثررساندن برابری اقتصادی می‌تواند در بهبود امنیت غذایی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: فقر؛ مهاجرت داخلی؛ ناپایداری؛ امنیت غذایی

نویسنده مسئول: حمیدرضا محمودی‌شناس؛ **پست الکترونیک:** h.mahmoudishenas@ltr.basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۷/۲۹؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۹/۰۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mahmoudi Shenas HR. The Impact of Poverty, Internal Migration and Instability on Food Security in Developing Countries. Health Law Journal. 2025; 3: e16.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مقدمه

امنیت غذایی یکی از مهم‌ترین مبانی توسعه پایدار در تمام جوامع است. امنیت غذایی در افزایش سطح رفاه در جوامع، نقشی ویژه ایفا می‌کند. این مفهوم علاوه بر اشاره به دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای کافی، سالم و مغذی، دارای ابعاد گسترده‌تری چون پایداری در تولید، برابری توزیع و ثبات مصرف است. علیرغم این‌ها در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به دلیل نگاه یک‌جانبه به مفهوم توسعه، امنیت غذایی با تهدیدهای جدی مواجه است. فقر، مهاجرت و ناپایداری به عنوان سه عامل مهم با تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم خود باعث به وجودآمدن چالش‌های جدی برای امنیت غذایی است.

۱. پیشینه پژوهش: تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه امنیت غذایی و عواملی که باعث تهدید یا کاهش امنیت غذایی می‌شوند، صورت گرفته است. برای نمونه می‌توان به مقاله «تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی در خانوارهای روستایی» نوشته اعظم اصغریان دستنایی و همکاران در سال ۱۳۹۲ اشاره کرد که در آن به بررسی وضعیت دسترسی گروه‌های فقیر به غذا پرداخته شده است (۱). از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، مقاله «تعاریف و مبانی نظری امنیت غذایی» نوشته حسین قاسمی در سال ۱۳۷۳ است؛ مقاله مذکور، مؤلف به بررسی نظری مفهوم امنیت غذایی از دیدگاه‌های مختلف پرداخته است (۲). مقاله «چاقی و امنیت غذایی در کودکان دبستانی یزد» نوشته زهرا کرم سلطانی و همکاران در سال۱۳۸۶، از دیگر مقالاتی است که با تأکید بر یک گروه خاص به بررسی وضعیت امنیت غذایی پرداخته است (۳). در پژوهش حاضر علاوه بر نگاه نظری، نگاه عملگرایانه نیز به مسأله امنیت غذایی وجود داشته و به جای توجه به یک گروه خاص مکانی یا سنی و...، یک نگاه کلی به مسأله امنیت غذایی و عوامل تهدیدکننده آن وجود دارد. علاوه بر موارد مذکور، پژوهش حاضر به مسأله امنیت غذایی به عنوان یک مفهوم دارای ابعاد مختلف پرداخته و تأثیر مسائل مختلف را بر ابعاد و جنبه‌های مختلف مفهوم پیچیده امنیت غذایی بررسی می‌کند. از این روست که پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین، دارای نوآوری است.

۲. بیان مسأله: مسأله پژوهش حاضر، بررسی امنیت غذایی و تأثیر فقر، مهاجرت و ناپایداری به عنوان عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی به ویژه در مورد ایران است. امنیت غذایی یک مفهوم چندبعدی و نسبی است که دارای ابعاد چهارگانه موجودبودن، دسترسی، مصرف و ثبات مصرف مواد غذایی است. پژوهش حاضر درصدد بررسی تأثیر و ارتباط متقابل عوامل سه‌گانه تهدیدکننده امنیت غذایی و بررسی تحلیلی آثار این عوامل بر ابعاد مختلف امنیت غذایی است.

۳. سؤال اصلی پژوهش: ارتباط عوامل فقر، مهاجرت و ناپایداری بر امنیت غذایی در ایران چگونه است؟

۳-۱. سؤالات فرعی پژوهش: ۱ـ ابعاد مختلف امنیت غذایی چیست؟؛ ۲ـ فقر، مهاجرت و ناپایداری چگونه بر یکدیگر اثر می‌گذارند؟

۴. فرضیه: فقر به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی با ایجاد محدودیت در تولید و دسترسی به مواد غذایی اثر مستقیم بر کاهش امنیت غذایی در شهرها و روستاها دارد. علاوه بر فقر، مهاجرت نیز با کاهش تعداد تولیدکنندگان محصولات غذایی و افزایش تعداد مصرف‌کنندگان باعث برهم‌خوردن تعادل تولید ـ مصرف شده و باعث تهدید امنیت غذایی است. ناپایداری در تولید و تخریب منابع طبیعی باعث تضعیف بیشتر تولید شده و امنیت غذایی را به مخاطره می‌اندازد. تعامل سه عامل مذکور با به وجودآوردن یک روند معیوب تولید ـ مصرف به صورت هم‌افزا باعث می‌شود تا تهدید امنیت غذایی تشدید شود.

۵. اهمیت موضوع: امنیت غذایی یکی از اصلی‌ترین ارکان سلامت جامعه، رفاه و توسعه پایدار است. بررسی عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی نقشی بسیار مهم در یافتن راهکارهایی برای بهبود امنیت غذایی دارد. شناسایی نظری چگونگی عملکرد فقر، مهاجرت و ناپایداری به عنوان اصلی‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی و بررسی چگونگی تعامل این عوامل تهدیدکننده، همراه با بررسی راهکارهای عملی بهبود

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

امنیت غذایی و بکارگیری این راهکارها به صورت برنامه‌ریزی اجرایی، باعث افزایش سلامت جسمی ـ روانی جامعه، افزایش رفاه عمومی و ایجاد توسعه پایدار در جامعه است.

۶. هدف پژوهش: هدف پژوهش حاضر، تبیین نظری چگونگی عملکرد عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی همراه با آثار عملی این عوامل بر کاهش امنیت غذایی است. پژوهش حاضر با تبیین نظری ـ عملی قصد دارد ابعاد مختلف امنیت غذایی را شناسایی کرده و تأثیر عوامل مختلف مؤثر بر ابعاد امنیت غذایی را بررسی کند و در نهایت با ارائه راهکار عملی، زمینه‌های شکل‌گیری برنامه‌ریزی‌های کلان برای بهبود امنیت غذایی و توسعه پایدار و همه‌جانبه را فراهم آورد.

روش

پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی ـ تحلیلی صورت گرفته است و داده‌های پژوهش از طریق روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و داده‌ها در خصوص معناشناختی، مبانی و ادله مورد بررسی قرار گرفته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

نتایج پژوهش نشان می‌دهد، فقر یکی از اصلی‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی است که بر امنیت غذایی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اثر منفی دارد. فقر باعث کاهش توانایی تولیدکنندگان در تهیه مواد اولیه شده و نتیجتاً باعث کاهش عرضه و دسترسی مصرف‌کنندگان به محصولات غذایی می‌شود. مهاجرت روستانشنیان به شهر و سکنی‌گزینی عشایر در جوامع مبتنی برروش سنتی تولید یکی دیگر از عوامل تهدید امنیت غذایی است. این مسأله باعث کاهش عرضه و افزایش تقاضا شده و در نتیجه میزان امنیت غذایی در تمام ابعاد خویش دچار مخاطره می‌گردد. دلایل متعددی مثل بحران آب، از بین‌رفتن اراضی کشاورزی و تغییرات آب و هوایی و اقلیمی باعث ناپایداری در نظام تولید و مصرف محصولات غذایی شده و با تهدید ابعاد مختلف امنیت غذایی، موجب کاهش امنیت غذایی می‌شود.

بحث

۱. امنیت غذایی و توسعه پایدار: پس از بروز انقلاب صنعتی و رویکرد یک‌جانبه جوامع صنعتی در افزایش تولید و مصرف‌گرا سازی جوامع برای رشد اقتصادی کشورهای صنعتی، موجی از پیامدهای منفی این نگاه، جهان را در برگرفت. یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های مصرف‌گرایی، آسیب‌های زیست‌محیطی، افزایش نابرابری میان جوامع و همچنین افزایش نابرابری میان طبقات در یک جامعه واحد است که پیامدهای ناگوار بسیاری را برای جهان به همراه داشت. از این رو بود که مفهوم «توسعه پایدار (Sustainable Development)» به وجود آمد تا با تغییر نگرش بشر نسبت به رشد و پیشرفت و نگاهی نو به توسعه همراه با درس‌گرفتن از اشتباهات گذشته بشری، ضمن پاسخگویی به نیازهای کنونی بشر، منابع طبیعی و زیست‌محیطی را برای آیندگان نیز حفظ کند. توسعه پایدار نیازمند هماهنگی و تعامل میان ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی ـ اجتماعی است. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه پایدار در هر جامعه‌ای، میزان امنیت غذایی آن جامعه است. ریشه مفهوم «امنیت غذایی (Food Security)» را می‌توان در بحران‌های غذایی اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی و اعلامیه حقوق بشر ۱۹۸۴ یافت. امنیت غذایی برای نخستین‌بار درکنفرانس بین‌المللی تغذیه در سال ۱۹۹۲ به صورت مدون و روشن به منظور مبارزه با سوءتغذیه و گرسنگی در جهان در دهه ۱۹۹۰ و اوایل قرن ۲۱ میلادی مورد تأکید واقع شد. تاکنون تعاریف متعددی از امنیت غذایی صورت گرفته است، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ امنیت غذایی را این‌گونه تعریف کرده است: «امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی‌کردن اثرات نامطلوب نوسانات

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تولید و قیمت آن» (۱). بانک جهانی نیز امنیت غذایی را دسترسی همه مردم به غذای کافی در هر زمانی برای بهره‌مندی از زندگی سالم و پویا تعریف کرده است (۴). سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (FAO: Food and Agriculture Organization) نیز امنیت غذایی را به معنای دسترسی فیزیکی و اقتصادی ـ اجتماعی همه افراد در تمامی زمان‌ها به غذای کافی، سالم و مغذی سازگار با ترجیحات آن‌ها برای یک زندگی فعال و سالم دانسته است (۵). با توجه به تعاریف مذکور می‌توان برای امنیت غذایی دو ویژگی مهم را در نظر گرفت: نخست نسبی‌بودن مفهوم امنیت غذایی؛ ثانیاً چندبعدی‌بودن این مفهوم. نسبی‌بودن «امنیت غذایی» خود یک مفهوم چندوجهی است، به این معنا که اولاً امنیت غذایی در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد، بر اساس همین تفاوت است که رده‌بندی کشورها از لحاظ شاخص ترکیبی تغذیه و امنیت غذایی در جهان صورت می‌گیرد؛ ثانیاً امنیت غذایی در یک کشور واحد، ولی زمان‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد، همانطور که میزان دسترسی به غذا و امنیت غذایی در ایران کنونی نسبت به ایران در زمان قحطی بزرگ متفاوت است؛ ثالثاً امنیت غذایی در یک کشور واحد و زمان واحد، ولی نقاط مختلف همان کشور می‌تواند متفاوت باشد، چنانکه دسترسی نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی به یک ماده غذایی واحد، بیشتر است؛ رابعاً حتی در یک نقطه جغرافیایی واحد میزان دسترسی اقشار مختلف جامعه به غذا و امنیت غذایی آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد (۶). چندبعدی‌بودن مفهوم امنیت غذایی به این معنا است که این مفهوم متغیرهای بسیاری می‌تواند داشته باشد و از وجه‌های گوناگون قابل بررسی است. طبقه تعاریف مذکور درباره مفهوم «امنیت غذایی» می‌توان ابعاد مختلف این مفهوم را به چهار مورد تقسیم کرد: ۱ـ موجودبودن؛ ۲ـ دسترسی؛ ۳ـ مصرف غذایی؛ ۴ـ ثبات غذایی (۷). این ابعاد به دو دسته اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند: دسته اولیه که عبارتند از موجودبودن مواد غذایی و دسترسی به مواد غذایی با یکدیگر دارای ارتباط مستقیم هستند؛ از جهت دیگر، علت و مبنای مصرف مواد غذایی و ثبات مصرف غذایی، به عنوان دسته ثانویه هستند. بر مبنای ابعاد مذکور درباره مفهوم «امنیت غذایی» در ادامه نقش و تأثیر فقر، مهاجرت و ناپایداری در تغییر میزان امنیت غذایی در جوامع بررسی خواهد شد.

۲. عوامل مؤثر بر تغییر میزان امنیت غذایی جوامع:

میزان امنیت غذایی در هر جامعه و زمان، یک میزان متغیر و نسبی است. امنیت غذایی در هر جامعه‌ای با توجه به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و... می‌تواند دچار کاهش یا افزایش شود. اختراعات می‌توانند باعث تسهیل در زمینه کشاورزی و تبدیل کشاورزی سنتی به صنعتی شوند، تغییرات زیست‌محیطی می‌توانند باعث افزایش یا کاهش تولیدات شوند، فقر می‌تواند میزان تولید و دسترسی به مواد غذایی را کاهش دهد، مهاجرت می‌تواند با تبدیل بخش زیادی از تولیدکنندگان به مصرف‌کننده باعث کاهش میزان تولید و افزایش میزان مصرف شود و ناپایداری می‌تواند باعث تغییرات مداوم میزان مصرف و تولید شود و برنامه‌ریزی در این زمینه را با دشواری مواجه سازد. نکته قابل توجه در این مورد آن است که شرایط مذکور، اولاً خود مفاهیمی نسبی و دارای تغییرات بسیار هستند؛ ثانیاً این متغیرها با یکدیگر ارتباطی معنادار دارند که می‌توانند بر یکدیگر تأثیر گذاشته و روند تغییرات میزان امنیت غذایی را نزولی یا صعودی کنند. از میان متغیرهای مذکور در این پژوهش به بررسی فقر، مهاجرت و ناپایداری و تأثیر آن‌ها در امنیت غذایی با توجه به ابعاد مختلف مفهوم «امنیت غذایی» می‌پردازیم.

۲-۱. فقر: یکی از بزرگ‌ترین موانع در راه تأمین غذایی، فقر جوامع است. تأثیر فقر به صورتی است که می‌تواند علت تمام عوامل دیگر مانند مهاجرت، ناپایداری و... باشد یا حداقل آن را تشدید کند در تعریف فقیر گفته شده است که فقیر فردی است که فاقد مقدار پول یا مایملک مادی معمولی یا به لحاظ اجتماعی مقبول باشد (۸)، در نتیجه می‌توان گفت فقر یک حالت است و فقیر کسی است که در این حالت قرار داشته باشد. برای تبیین خود مفهوم فقر از دو روش استفاده می‌شود. برخی با استفاده از مفهوم فقر مطلق و خط فقر دست به تعریف فقر زده‌اند و آن عبارت است از محرومیت از مقدار

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

درآمدی که با توجه به زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی برای تأمین حداقل نیازهای فرد مورد نیاز است و نتیجتاً خط فقر مطلق حالتی است که فرد نتواند در آن احتیاجات اصلی خود مانند خوراک، پوشاک و... را تأمین کند (۹). رویکرد ابتدایی مراجع جهانی نیز استفاده از همین مفهوم بوده است به شکلی که بانک جهانی ابتدا در سال ۱۹۹۰ میزان درآمد یک دلار در روز را به عنوان خط فقر مطلق بر مبنای استانداردهای رایج در فقیرترین کشورهای جهان قرار دادند و سپس پس از گذشت یک دهه این میزان را تا ۱/۲۵ دلار در روز افزایش داده‌اند (۱۰)، حتی برخی پژوهشگران این میزان را مناسب زندگی بشری ندانسته و پیشنهاد افزایش این میزان را ۱۰ دلار داده‌اند و نکته قابل تأمل اینجاست که با توجه به این میزان ۱۰ دلار پیشنهادی توسط پژوهشگران حدود ۹۳ درصد از مردم جهان در زیر خط فقر خواهند بود. این ایرادات وارد بر مطلق‌انگاری مفهوم فقر، موجب پدیدآمدن نگاهی دیگر به فقر شد. در دیدگاه متأخرین به فقر، فقر امری نسبی است؛ به این معنا که برخی معتقدند، فقر را در هر جامعه، باید با توجه به وضعیت رفاهی همان جامعه سنجید، زیرا محرومیت نسبی برای افراد هر جامعه بسیار مهم است. بر این اساس خط فقر نسبی عبارت است از میانگین درآمد جامعه یا به شکل مرزی درآمدی که درصد معینی از جامعه پایین تراز آن قرار می‌گیرند (۱۱). به هر حال با هر کدام از معیارهای مذکور که سنجیده شود فقر یکی از بزگ‌ترین و فراگیرترین علل عدم تأمین امنیت غذایی اشخاص شمرده می‌شود. شدت فراگیری فقر به حدی است که بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ حدود ۱/۴ میلیارد نفر معادل یک‌چهارم از کل جمعیت کره زمین در آن دوره در فقر به سر می‌برند و این میزان در ۲۵ سال پیش از این آمار حدود ۱/۹ میلیارد نفر معادل نیمی از جمعیت جهان بوده است و باید در نظر داشت، هرچند با سیاست‌های به کارگرفته‌شده این میزان کاهش یافته است، اما همین میزان کاهشی نیز به صورت برابر نبوده است، به شکلی که شدت فقر در آسیا از ۸۰ درصد به حدود ۲۰ درصد کاهش یافته، ولی در آفریقا روی میزان ۵۰ درصد باقی مانده است.

نکته حائز اهمیت دیگر آن است که باید در نظر داشت این کاهش درصد فقر الزاماً به معنای کاهش تعداد افراد فقیر نیست، حتی می‌توان در نظر داشت با توجه به افزایش تعداد مردمان جهان، تعداد افراد فقیر نیز افزایش یافته باشد (۱۲). فقر می‌تواند علل متعددی داشته باشد و شاید بزرگ‌ترین علت آن روش تولید در جوامع باشد. از دیگرسو کشورهای توسعه‌یافته با کنترل اقتصاد کشورهای در حال توسعه باعث می‌شوند، رشد چندانی را در این دسته کشورها شاهد نباشیم (۱۳) و این کار از رهگذر ایجاد نهادهای نوین توسط کشورهای ثروتمندتر جهت جلب موافقیت کشورهای در حال توسعه انجام شود، در حالی که بیشتر سود این نهادها برای کشورهای ثروتمند خواهد بود (۱۴). سایر سرمایه‌داران کشورهای بزرگ‌تر نیز با تصاحب مالکیت عوامل تولید، تولیدکننده اصلی را تبدیل به کارگر کرده و در ازای تصاحب محصول کار به او مزد پرداخت می‌کنند، یعنی با جداکردن محصول کار از کارگر به او مزد متعارف، یعنی پایین‌ترین مزدی که با زندگی عادی انسانی یا حیات حیوانی منطبق باشد، پرداخت می‌کنند (۱۵). کارگر نیز با قرارگرفتن در این نظام و با توجه به جدایی کار از رانت ارضی و سرمایه، تنها دارایی خود، یعنی کار، وقت و سلامتی خود را برای به دست‌آوردن کمترین مایحتاج زندگی در اختیار سرمایه‌دار قرار می‌دهد، یعنی خود انسان تبدیل به کالا می‌شود. به همین دلیل است که حتی در صورت رشد کلی جامعه توسعه‌نیافته در وهله نخست با بالارفتن مزدها دچار زیاده‌کاری و مرگ زودرس شده و در وهله ثانی، با افزایش رقابت میان کارگران برای تصاحب شغل، بخشی از این جمعیت دچار بیکاری شده و به فقر، گرسنگی و گدایی خواهند رسید (۱۶). از سوی دیگر حتی با رشد کشورهای توسعه نیافته و حتی دستیابی این کشورها به ثروت سرشار مزد کار چنان کاهش می‌یابد که به زحمت کفاف تعدادی از کارگران را بدهد (۱۷). به این صورت است که حتی دخالت کشورهای توسعه‌یافته با استفاده از نهادهای بین‌المللی نه‌تنها باعث کاهش فقر و افزایش امنیت غذایی در کشورهای توسعه‌یافته‌نشده، بلکه می‌تواند باعث

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

کاهش دسترسی تعداد زیادی از مردم این کشور به ملزومات اولیه زندگی باشد. همانطور که گفته شد، امنیت غذایی مفهومی چندبعدی است و در ادامه به تأثیر فقر را در این ابعاد بررسی خواهیم کرد.

۲-۱-۱. تأثیر فقر در موجودبودن مواد غذایی و دسترسی به مواد غذایی: تأثیر فقر در «موجودبودن» و «دسترسی به مواد غذایی» یک تأثیر دوسویه است؛ به این معنا که هم بر تولیدکننده و هم بر مصرف‌کننده دارای تأثیر مستقیم است. تولیدکننده برای تولید محصول خود نیازمند مواد اولیه و وسایل تولید است. در صورت بروز فقر برای تولیدکننده مواد غذایی، تولیدکننده‌ای که از تهیه ملزومات اولیه زندگی خود ناتوان است دیگر توانایی تولید بیشتر نداشته و حتی تولید قبلی خود را از دست می‌دهد. با بروز این حالت تولیدکننده، حتی فقیرتر از قبل شده و میزان دسترسی او به غذا و به طور کلی امنیت غذایی تولیدکننده کاهش می‌یابد. از سوی دیگر با بروز حالت عرضه کمتر از تقاضا در مرحله نخست با کمیابی مواد غذایی در بازار، میزان دسترسی مصرف‌کننده کاهش پیدا کرده و در پی آن امنیت غذایی او به خطر خواهد افتاد؛ در مرحله دوم با افزایش قیمت مواد غذایی به دلیل عرضه کمتر از تقاضا، خط فقر که با استفاده از شاخص های توسعه جهانی، اندازه‌گیری و تعیین می‌شود، افزایش یافته و افراد بیشتری دچار فقر و در نتیجه عدم دسترسی به مواد غذایی کافی، سالم و مغذی شده و امنیت غذایی با شدت بسیار کاهش می‌یابد. یکی از بزرگ‌ترین مسائل به خصوص در جوامع روستایی کشورهای جهان سوم کاهش امنیت غذایی است که خود هم علت و هم معلول فقر است (۱۸).

۲-۱-۲. تأثیر فقر در مصرف مواد غذایی و ثبات غذایی: همانطور که گفته شد، بروز فقر در جوامع باعث کاهش میزان تولید مواد غذایی و در نتیجه کاهش موجودبودن و دسترسی به مواد غذایی می‌شود. این حالت به صورت مستقیم می‌تواند علت کاهش مصرف غذایی و ثبات غذایی باشد. فقر بزرگ‌ترین عامل کاهش مصرف غذایی است. این کاهش مصرف غذایی به حدی است که طبق مطالعات انجام‌شده در جمعیت روستایی شهرستان زنجان ۱۵/۵۲ درصد خانوارها، ناامنی غذایی با گرسنگی و ۹/۶۵ درصد خانوارها، ناامنی غذایی همراه با گرسنگی شدید را تجربه می‌کنند (۱۹). پژوهش‌ها و آمار در جمعیت روستایی و شهری استان خراسان نیز حاکی از آن است ۱۳/۳۱ درصد از جمعیت روستایی و ۱۰/۶۳ درصد از جمعیت شهری، از مصرف کالری مورد نیاز بدن محروم هستند و ۳۱/۳۹ درصد از جمعیت روستایی و ۱۷/۳۳ درصد از جمعیت شهری این استان از مصرف و ثبات مصرف پروتئین مورد نیاز بدن برخوردار نیستند (۲۰). در سطح بین‌المللی نیز تحقیقات نشان می‌دهد در مالزی ۱۳/۱ و در تایلند ۱۳/۶ درصد مردم، دچار ناامنی غذایی و گرسنگی ناشی از عدم مصرف و یا ثبات در مصرف مواد غذایی هستند (۲۲-۲۱).

۲-۲. مهاجرت: پدیده مهاجرت یکی از بزرگ‌ترین مسائلی است که جهان امروز با آن درگیر است. مهاجرت بر اساس نظریات مختلف می‌تواند تعاریف متفاوتی داشته باشد. بر اساس نظر اورت لی (Everett S. Lee) مهاجرت، یعنی تغییر موقت یا دائمی مسکن بدون تمایز میان مهاجرت داخلی و خارجی (۲۳). تعریف دیگر از مهاجرت نیز عبارت است از تغییر محل زندگی از یک سرزمین به یک نقطه و یک سرزمین دیگر به صورت دائمی یا بیشتر از یک سال (۲۴). مهاجرت در معنای اولیه خود پدیده‌ای دیرینه است و از گذشته به دلایل مختلف مذهبی، اقتصادی و یا در اثر حوادث طبیعی، افراد از محلی به محل دیگر جا به جا می‌شدند، اما ریشه مهاجرت به شکل کنونی آن در قرن ۱۷ میلادی در کشورهای صنعتی ایجاد شده و در قرن ۲۰ میلادی به اوج رسید و پس از آن با فروکش‌کردن موج مهاجرت، روند نزولی یافته است، ولی پدیده مهاجرت در جوامع در حال توسعه، در آغاز راه خویش است (۲۵). مهاجرت می‌تواند حاصل طیف وسیعی از دلایل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی، سیاسی و... داشته باشد و به اشکال گوناگون در جوامع ظاهر شود (۲۶). همانطور که بیان شد، مهاجرت می‌تواند تعاریف گوناگون داشته باشد، ولی نقطه مشترک تمام این تعاریف را می‌توان جا به جایی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مردم از محلی به محل دیگر دانست. این جا به جایی دارای تأثیرات بسیار هم در مبدأ و هم در مقصد است. مهاجرت در کنار مرگ و میر و باروری، سه مؤلفه تغییرهای جمعیتی در جهان هستند و نقش مهمی در فعل و انفعالات اجتماعی دارند. اثر مهاجرت را می‌توان در قالب تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده کرد (۲۷). مهاجرت به دو دسته کلی مهاجرت داخلی و مهاجرت خارجی قابل تقسیم است (۲۸). در ایران، مهاجرت داخلی از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا کشاورزی و تولید غذا در ایران تا حد زیادی سنتی و مبتنی بر روش‌های قدیمی است که باعث می‌شود حجم بسیاری از غذای ایران در داخل روستاها تولید شود. در کنار این کشاورزی، حجم عظیمی از دامداری ایران وابسته به عشایر است. در سال‌های گذشته موج عظیمی از علاقه به شهرنشینی در میان جمع کثیری از روستانشینان شکل گرفته است؛ این موج عظیم به شکلی است که بنا بر سرشماری سال ۱۳۸۵ از مجموع ۷۲/۲۵۰ میلیون نفر جمعیت ایران، ۴۹/۶۴۰ نفر شهرنشین و ۲۲/۶۱۰ میلیون نفر روستانشین بوده‌اند. این در حالی است که طبق برآورد سال ۱۳۷۵، بیش از ۳۶/۸۱۸ میلیون نفر ساکن شهرها و ۲۳/۲۳۷ نفر در روستاها زندگی می‌کردند. در خصوص عشایر نیز آمار نشان می‌دهد در سال ۱۳۴۵ حدود ۹ درصد از کل جمعیت کشور را عشایر تشکیل می‌دادند و این در حالی است که این آمار در سال ۱۳۸۷ به حدود ۲ درصد جمعیت کل کشور کاهش یافته است. درباره علت تمایل عشایر به سکنی‌گزینی و روستانشینان به شهرنشینی می‌توان سه عامل عمده را نام برد؛ بارزترین و بزرگ‌ترین این دلایل فقر و توزیع نامناسب غذا و درآمد در روستا است (۲۹). حدود ۷۵ درصد از مردم فقیر و گرسنه، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و به طور کلی فقر در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است و میزان فقر در عشایر نیز حدود ۴۶ درصد است (۳۰). این مسائل اقتصادی باعث می‌شود روستانشینان و عشایر با رهاکردن زراعت و دامداری خود، راهی شهرها شده و به کارگری در کارخانه‌ها روی بیاوردند. با افزایش تعداد کارگرها، رقابت میان ایشان برای پیداکردن شغل شدیدتر شده و با فزونی کالای مورد ارائه ایشان، یعنی کار نسبت به میزان تقاضا، یعنی مشاغل موجود، میزان مزد چنان کاهش پیدا می‌کند که به سختی کفاف تأمین حداقل‌های زندگی ایشان را بدهد. یکی دیگر از دلائل عمده تمایل عشایر به سکنی‌گزینی و علاقه روستانشینان به شهرنشینی، مسائل فرهنگی ـ اجتماعی است. فراگیری نگاه مرکز ـ پیرامون و تمرکز ساختارهای آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و... در بستر شهرها باعث پدیدآمدن تفاوت رفاه میان شهر و روستا و تمایل به مهاجرت به شهرها شده است (۳۱). این تفاوت در میزان برخورداری مناطق شهری و محرومیت مناطق روستایی به شکلی بسیار واضح قابل مشاهده است. به طور کلی مهم‌ترین دلیل مهاجرت عشایر و روستانشینان به شهرها، یافتن زندگی بهتر است (۳۲). با توجه به این تمرکز اجتماعی، فرهنگی ـ اقتصادی در شهرها، روستانشینان و عشایر در خود نوعی احساس جاماندن می‌کنند و همین عامل باعث می‌شود مهاجرت به شهرها افزایش یابد. آمار درباره مهاجرت خارجی نیز سیر صعودی را نشان می‌دهد. بنا بر آمار در سال ۱۹۶۵ حدود ۷۵ میلیون مهاجر در جهان وجود داشته‌اند که این امار در سال ۱۹۸۵ به ۱۰۵ میلیون نفر رسیده و پس از آن با یک سیر تصاعدی در سال ۲۰۰۲ به ۱۷۵ میلیون نفر و در سال ۲۰۰۵ به ۲۰۰ میلیون نفر رسیده است (۳۳) و از این میزان مهاجران جمعیتی بیش از ۴ میلیون نفر را مهاجران ایرانی تشکیل داده است که مقصد حدود ۷۶ درصد آن‌ها را کشورهای اروپایی و آمریکا تشکیل داده است. این آمار نگران‌کننده درباره مهاجرت علی‌الخصوص مهاجرت داخلی روستانشینان و عشایر به شهر، باعث تأثیرات عمده‌ای در تولید، دسترسی، مصرف و ثبات مصرف مواد غذایی و در نتیجه امنیت غذایی است.

۲-۲-۱. تأثیر مهاجرت در موجودبودن مواد غذایی و دسترسی به مواد غذایی: با مهاجرت عشایر و روستانشینان به شهر و با توجه به سیستم سنتی زراعی در ایران، تولید محصولات غذایی با مشکل جدی رو به رو خواهد شد. به طور مثال استان همدان که ۶/۲۹ درصد از کل تولید گندم کشور،

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

۴/۹۹ درصد از کل تولید محصول جو، ۶/۵ درصد از کل محصول چغندرقند، ۳/۵ درصد دانه‌های روغنی، ۲/۸ درصد ذرت و بیش از ۱۱ درصد از کل تولید سیب‌زمینی کشور در این استان تولید می‌شود؛ عدم تعادل در توزیع خدمات و نگاه مرکز ـ پیرامونی در نظام برنامه‌ریزی این استان به وضوح قابل مشاهده است، به شکلی که هرچه فاصله از مرکز بیشتر باشد، دسترسی به خدمات نیز سخت‌تر خواهد بود. استان کرمانشاه نیز مثال دیگری از میزان تولید محصولات غذایی و محرومیت روستایی در ایران است. این استان رتبه دوم تولید نخود، رتبه دوم تولید ذرت، رتبه سوم تولید چغندرقند، رتبه اول سطح جو، رتبه سوم تولید ذرت دانه‌ای و رتبه هشتم تولید گوجه‌فرنگی کشور را داراست، ولی از نظر خدمات‌دهی به روستاهای تابع نسبت به شهر، تفاوت چشم‌گیری وجود دارد (۳۵-۳۴). استان جاسک نیز با آنکه یکی از قطب‌های تولید محصولات کشاورزی و غذاهای دریایی است، ولی آمار نشان می‌دهد حدود ۶۲ درصد از دهستان‌های شهرستان جاسک در وضعیت بسیار محروم قرار دارند و فاقد دسترسی به خدمات و اطلاعات لازم هستند. با توجه به مطالب مذکور در صورت مهاجرت روستانشینان استان‌های مزبور و سایر استان‌های کشور، بحران عظیمی در تولید محصولات کشاورزی به وجود خواهد آمد و دسترسی به این محصولات را با دشواری مواجه خواهد ساخت. علاوه بر این عشایر ایران، حدود ۳۰ درصد از دام سبک، ۴ درصد دام سنگین، ۳۲ میلیون هکتار از مراتع، ۲۵ درصد تولید گوشت قرمز و ۴۰۰ هزار تن از شیر کشور را دارا هستند (۳۶). این موضوع در حالی است که حدود ۳۰ درصد از جمعیت عشایر کوچنده ایران، در طبقه‌بندی محروم و خیلی محروم قرار دارند. با روی‌آوردن عشایر به شهرنشینی و سکنی‌گزینی ایشان، تولید و بالتبع موجودبودن محصولات غذایی مذکور تا حد زیادی متوقف شده و دسترسی به این مواد را دشوار ساخته و در نتیجه امنیت غذایی به شدت کاهش خواهد یافت.

۲-۲-۲. تأثیر مهاجرت در مصرف مواد غذایی و ثبات غذایی: با کاهش تولید، عدم موجودبودن مواد غذایی و دسترسی دشوار به محصولات غذایی به عنوان لازمه و پیش‌زمینه مصرف این محصولات، مصرف و ثبات مصرف این محصولات به شدت کاهش خواهد یافت. همچنین با تبدیل شدن بخشی از تولیدکنندگان به مصرف‌کننده شهری، حجم تولید نسبت به تقاضا کاهش یافته و در نتیجه دسترسی و بالتبع آن مصرف محصولات غذایی را با مشکل مواجه خواهد کرد. از سوی دیگر، روستانشینان و عشایر بزرگ‌ترین تولیدکنندگان محصولات غذایی هستند و با از دست‌رفتن این بنیان‌های تولید محصولات غذایی، حجم بار بیشتری بر سایر تولیدکنندگان وارد خواهد شد که با توجه به از دست‌دادن نیروی انسانی تولیدکننده، عرضه با مشکل مواجه شده و باعث خواهد شد که تولید و عرضه محصول غذایی، روندی نامناسب پیدا کند و در نتیجه امکان مصرف پیوسته یا به بیان دیگر ثبات مصرف محصولات غذایی به خطر افتد.

مهاجرت، به خصوص مهاجرت عشایر و روستانشینان به شهر، باعث به وجودآمدن مسائلی بزرگ در موجودبودن، دسترسی، مصرف و ثبات مصرف غذایی، به عنوان ابعاد و مبانی امنیت غذایی است. مهاجرت با کاهش تولید و افزایش مصرف محصولات غذایی، باعث خواهد شد تا امکان دسترسی برابر و در نتیجه امنیت غذایی با مشکل جدی مواجه شود.

۲-۳. ناپایداری: یکی از بزرگ‌ترین معضلات هر نظام تولیدی مثل نظام تولید و مصرف غذا، ناپایداری تولید است. ناپایداری با تأثیر مستقیم بر نظام عرضه محصولات غذایی، نقشی پررنگ در کاهش امنیت غذایی دارا است. پایداری یک مفهوم نظام‌مند و متشکل از عوامل متعدد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی است، در صورتی که سه رکن مذکور پایداری با یک انطباق نسبی با هم ارتباط منسجم پیدا کنند، می‌توان پایداری را محقق دانست؛ در غیر این صورت ناپایداری به وجود خواهد آمد (۳۷). امروزه پایداری، بخشی از مفهوم توسعه تلقی می‌شود و دستیابی به توسعه پایدار بدون یک نظام مناسب اقتصادی و محیط‌زیستی ممکن نخواهد بود (۳۸). در ایران با توجه به شرایط خاص تولید زراعی مبتنی بر نظام زراعی سنتی، عوامل متعددی می‌تواند در پیدایش ناپایداری در تولید

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مؤثر واقع شوند. یکی از عواملی که باعث پدیدارشدن ناپایداری در تولید محصولات غذایی در ایران می‌شود، بحران آب و میزان بالای هدررفت آب در کشاورزی است. آب باعث پیدایش شهرها و تمدن‌هاست و از دیرباز تمدن‌ها در مناطق دارای دسترسی به آب شکل می‌گرفتند، اما امروزه با افزایش شدید جمعیت جهان و بهره‌برداری غیر اصولی از منابع زیست‌محیطی برای پاسخگویی به نیازهای این جمعیت، آسیب‌های بسیاری پدید آمده و امروزه مارا با بحران مواجه کرده است (۳۹). بحران آب یک مسأله جدی است و استفاده بدون آینده‌نگری از آن می‌تواند در آینده خطرساز باشد. امروزه نیز کمبود آب یکی از عوامل بسیار مؤثر محدودشدن توسعه اقتصادی است. کمبود آب در ایران را می‌توان ناشی از جمعیت بالا، تغییرات آب و هوایی، مدیریت نامناسب منابع آبی و سیستم نامناسب کشاورزی در ایران دانست. سالانه در ایران ۸۶ میلیارد متر مکعب آب برداشت می‌شود که حدود ۹۰ درصد این مقدار آب، معادل ۷۹ میلیارد متر مکعب آن در بخش کشاورزی مصرف می‌شود (۴۰). این در حالی است که ۴۰ درصد آب مصرفی در کشاورزی، به دلیل عدم وجود تکنولوژی و روش درست آبیاری به هدر می‌رود و باعث می‌شود به ازای ۶۵ میلیون تن محصولات کشاورزی تولیدشده در کل کشور، ۸۵ میلیارد متر مکعب آب مصرف شود. این میزان نشان می‌دهد به ازای هر ۷۰۰ گرم تولید محصول کشاورزی در ایران، یک متر مکعب آب مصرف شود؛ این در حالی است که میانگین جهانی، ۳ کیلوگرم محصول کشاورزی به ازای هر متر مکعب آب است (۴۱). یکی دیگر از دلایلی که می‌تواند باعث ناپایداری تولید و عرضه محصولات غذایی و به تبع آن، کاهش امنیت غذایی شود، مسأله عدم باروری و عدم حاصلخیزی زمین است. کربن آلی یکی از مهم‌ترین مواد آلی زمین است که باعث باروری و حاصلخیزی زمین می‌شود. در حال حاضر، ۶۵ درصد اراضی کشور ایران کمتر از ۱ درصد کربن آلی دارند و این مقدار از گذشته تاکنون دچار کاهش شده است (۴۲). فرونشست خاک، یکی دیگر از عوامل توقف و ناپایداری تولید محصولات غذایی و کاهش امنیت غذایی است. برداشت‌های بی‌رویه و غیر مجاز از آب‌های زیرزمینی، توسعه نامناسب اراضی کشاورزی و مکان‌یابی نادرست برای احداث صنایع، باعث ایجاد و تشدید فرونشست خاک در ایران شده است (۴۳). تا سال ۱۴۰۰ در ایران، حدود ۹۰۰ هزار چاه مجاز و غیر مجاز حفر شده است و میزانی حدود ۱۰ میلیارد متر مکعب آب، به صورت غیر مجاز برداشت می‌شود. این عوامل باعث شده است تا بیش از نیمی از ۶۰۰ دشت کشور، با پدیده فرونشست خاک مواجه شود. یکی دیگر از مسائلی که باعث می‌شود کشاورزی در ایران با توسعه مناسب همراه نباشد و باعث ناپایداری در تولید و توسعه می‌شود، مسأله کمبود اراضی قابل زراعت در ایران است. ایران کشوری با ۱۶۵ میلیون هکتار وسعت است و ۹۵ میلیون هکتار از این مقدار دارای پوشش خاکی است، ولی میزان بسیار زیادی از این وسعت خاکی، به دلایل متعددی مانند شیب زیاد، عمق کم خاک، اقلیم خشک و آلودگی خاک، غیر قابل زرع است (۴۴). آلودگی خاک در ایران به دلایل طبیعی و انسانی مانند آلودگی با فلزات سنگین، آلودگی به دلیل رهاسازی فاضلاب‌ها، از بین‌بردن نامناسب زباله‌ها و... ایجاد شده و موجب کاهش بخش زیادی از تولیدات مواد غذایی و عدم کیفیت مطلوب مقدار مواد غذایی تولید شده است (۴۵). تبدیل اراضی زراعی به مسکونی نیز یکی دیگر از عوامل ناپایداری زراعی و توسعه کشاورزی در ایران است. در سال‌های گذشته بخش قابل توجهی از اراضی ایران به دلائل متعدد تبدیل به مناطق مسکونی شده است. این روند رو به رشد تبدیل اراضی کشاورزی به مناطق مسکونی به شکلی است که پیش‌بینی می‌شود سرانه زمین از ۰/۵ هکتار در سال ۱۳۵۲ به ۰/۱۱ هکتار در سال ۱۴۳۰ برسد (۴۶). عوامل مذکور باعث پیدایش ناپایداری در تولید و توسعه کشاورزی، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تولیدات غذایی شده و باعث می‌شوند امنیت غذایی، در تمام ابعاد خویش با خطر مواجه شود.

۲-۳-۱. تأثیر ناپایداری در موجودبودن مواد غذایی و دسترسی به مواد غذایی: ناپایداری در توسعه کشاورزی و همچنین عدم توازن و پایداری در تولید محصولات باعث

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

می‌شود تا میزان کالای موجود در جامعه کاهش یابد. با از بین‌رفتن اراضی زراعی، تولید محصولات متوقف شده و حجم زیادی از محصولات غذایی که امنیت غذایی مبتنی بر آن است، تولید نشود. با آلودگی اراضی نیز محصولات غذایی که در گذشته تولید می‌شدند، کیفیت خود را از دست داده و باعث می‌شوند در کنار آسیب‌های جسمانی و روانی، امنیت غذایی نیز با خطر مواجه شود. با تبدیل اراضی کشاورزی به مسکونی در اثر ناپایداری اقتصادی و ناپایداری کشاورزی، بخش بزرگی از تولیدکنندگان به مصرف‌کننده بدل می‌شوند. با پایین‌آمدن میزان عرضه و افزایش میزان تقاضا، بخش بزرگی از جامعه از دسترسی به محصولات غذایی محروم مانده و امنیت غذایی کلی جامعه کاهش یابد.

۲-۳-۲. تأثیر ناپایداری در مصرف مواد غذایی و ثبات غذایی: با کاهش میزان موجودبودن مواد غذایی و دسترسی به محصولات غذایی، میزان مصرف نیز با سیر نزول مواجه خواهد شد، زیرا افزایش یا کاهش میزان تولید و مصرف، دارای یک رابطه مستقیم با هم هستند. همچنین این مصرف موجود نیز با برابری در جامعه تقسیم نمی‌شود، بلکه افرادی با سطح دسترسی بیشتر که توانایی تهیه مقدار بیشتری از محصولات غذایی را دارند، از آن بهره‌مند شده و افراد محروم‌تر جامعه از آن بازخواهند ماند. همچنین ثبات غذایی که خود تابعی از مصرف غذایی است، در این شرایط محقق نخواهد شد، زیرا با کاهش میزان موجودبودن، دسترسی و مصرف مواد غذایی، ثبات غذایی دیگر معنا نخواهد داشت. با از بین‌رفتن روزافزون اراضی و تولید کشاورزی به دلیل ناپایداری تولید و توسعه، میزان تولید و عرضه و دریافت دیگر دارای ثبات نیست تا مصرف آن دارای ثبات باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش درباره امنیت غذایی با محدودیت‌ها و دشواری‌های خاصی مواجه است. شناسایی ابعاد مختلف امنیت غذایی به دلیل گسترده‌بودن مفهوم آن، نسبی‌بودن این مفهوم و تأثیر و تأثر متقابل این مفهوم بر عوامل متعدد زیست‌محیطی و اجتماعی ـ اقتصادی بخشی از این دشواری‌هاست. امنیت غذایی یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه پایدار در جوامع است. امنیت غذایی یک مفهوم چندبعدی و نسبی است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف زیست‌محیطی و اقتصادی ـ اجتماعی قرار بگیرد. فقر، اصلی‌ترین عاملی است که بر امنیت غذایی اثر می‌گذارد. فقر با کاهش قدرت تولید تولیدکنندگان و با کاهش قدرت دسترسی مصرف‌کنندگان به طور مستقیم و با تشدید مهاجرت و ناپایداری، به صورت غیر مستقیم بر امنیت غذایی اثر می‌گذارد. نابرابری درآمدی، تقسیم نابرابر و غیر عادلانه درآمدها و در مواردی عدم مالکیت مستقر عوامل تولید برای تولیدکنندگان باعث افزایش اختلاف روستانشینان و عشایر به عنوان تولیدگان اصلی محصولات غذایی با شهرنشینان می‌شود. با افزایش فقر میان روستانشینان و عشایر، ایشان از تهیه مایحتاج اولیه زندگی و مواد اولیه تولید بازمانده و در نتیجه میزان تولید با کاهش شدید مواجه می‌شود. فقر علاوه بر تولیدکنندگان بر مصرف‌کنندگان نیز به صورت مستقیم و غیر مستقیم اثر می‌گذارد. با کاهش میزان تولید نسبت میزان تقاضا و برهم‌خوردن تعادل تولید ـ مصرف، محصولات غذایی به عنوان کالا مانند هر کالای دیگر با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. با افزایش قیمت محصولات غذایی از تعداد افرادی که می‌توانند به مواد غذایی سالم، مغذی و کافی دسترسی پیدا کنند، کاسته می‌شود. مصرف‌کنندگان پیشین مجبورند بهای بیشتری برای محصولات پرداخته و هرچه بیشتر دچار فقر شوند. از سویی تعداد افراد کمی که می‌توانند محصولات غذایی را نیز تهیه کنند، ثباتی در مصرف نخواهند داشت، زیرا با افزایش فقر همچنان از تعداد تولیدکنندگان کاسته می‌شود. مهاجرت نیز خود علت و معلول فقر است. با افزایش فقر در میان روستانشینان و عشایر، تمایل به مهاجرت به شهرها و سکنی‌گزینی افزایش می‌یابد. با ایجاد موج مهاجرت به سوی شهرها بخش زیادی از مهاجرین دیگر نمی‌توانند مشاغل مولد خود را ادامه داده و در نتیجه از تولیدکنندگان کاسته شده و بر مصرف‌کنندگان افزوده می‌شود. این روند هم باعث از بین‌رفتن تعادل تولید ـ مصرف شده و بر ابعاد مختلف موجودبودن، دسترسی، مصرف و ثبات مصرف مواد غذایی اثر

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مستقیم می‌گذارد. ناپایداری تولید نیز یکی دیگر از عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی است. ناپایداری تولید خود معلول تخریب اراضی، عدم تمایل به تولید، تغییرات اقلیمی و... است. با بروز ناپایداری در جوامع، روند تولید ـ مصرف مختل شده و باعث کاهش شدید امنیت غذایی می‌شود. در برهه کنونی به دلیل معضلات خاص نظام اقتصادی، مسائل تهدیدکننده امنیت غذایی به شکلی روزافزون گسترش می‌یابد. حل نسبی این معضلات نیازمند انجام پژوهش‌هایی با رویکرد عملگرایانه، برنامه‌ریزی دقیق و منسجم و برقراری یک نظام اقتصادی برابر است. با افزایش رفاه اقتصادی تولیدکنندگان به عنوان مالکان اصلی منابع تولید، بخش بسیار بزرگی از تهدیدهای امنیت غذایی از بین می‌رود. دیدگاه امروزی به اقتصاد در جوامع در حال توسعه، یک دیدگاه یک‌جانبه است؛ این در حالی است که صرف پیشرفت اقتصادی به هر قیمتی، موجب فقر بسیاری از تولیدکنندگان، افزایش نابرابری، تخریب منابع زیست‌محیطی و... است.

مشارکت نویسندگان

حمیدرضا محمودی‌شناس تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی بهره برده نشده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

References

1. Asgharian Dastnaei A, Karami E, Keshavarz M. Determinants of Rural Households' Food Security. Agricultural Economics. 2013; 7(1): 85-107. [Persian]

2. Ghasemi H. Definition and theoretical foundations of food security. Journal of Agricultural Economics. 1994; 2(3): 24-31. [Persian]

3. Karam-Soltani Z, Dorosty-Motlagh AR, Eshraghian MR, Siassi F, Jazayeri GH. Obesity and food security in Yazd primary school students. Tehran University Medical Journal. 2007; 65(7): 68-76.

4. World Bank. Poverty and hunger: Issues and options for food security in developing countries. Washington DC: World Bank; 1986.

5. FAO. The state of food insecurity in the world. Rome: FAO Publications; 2007. p.49-50.

6. Furness BW, Simon PA, Wold CM, Asarian-Anderson J. Prevalence and predictors of food insecurity among low-income households in Los Angeles County. Public Health Nutr. 2004; 7(6): 791-794.

7. Berry EM, Dernini S, Burlingame B, Meybeck A, Conforti P. Food Security and Sustainability: Can One Exist Without the Other? Public Health Nutrition. 2015; 18(13): 2293-2302.

8. Kanbur R, Squire L. The evolution of thinking about poverty: Exploring the interactions. Tehran: Ney Publication; 2003. p.226. [Persian]

9. Harvey DL. Poverty, family and kinship in a Heartland community. New York: Aldine de Gruyter; 1993. p.106.

10. Ravallion M, Chen S, Sangraula PR. Dollar a day revisited (English). Policy Research working paper; no.WPS 4620. Washington, DC: World Bank; 2008. p.4620.

11. Aboualfathi A. An introduction to understanding income inequality and poverty indicators. Tehran: National Statistical Office of Iran; 1992. p.1. [Persian]

12. Chen S, Ravallion M. The developing world is poorer than we thought, but no less successful in the fight against poverty. World Bank Policy Res Work Paper. 2008; 125(4): 1577-1625.

13. Chang HJ. Kicking away the ladder: Development strategy in historical perspective. London: Anthem Press; 2002. p.53.

14. Gruber L. Ruling the world: power politics and the rise of supranational institutions. Princeton: Princeton University Press; 2002. p.53.

15. Smith A. Traduction nouvelle, avec notes et observations. Paris: German Garnier; 1802. p.60. [Germany]

16. Marx K. Economic and philosophic manuscripts of 1844. Tehran: Ashian Publications; 2020. p.59. [Persian]

17. Smith A. Traduction Nouvelle, avec Notes et Observations. Paris: German Garnier; 1802. p.193. [Germany]

18. Bani Asadi M, Zare M. Examining the optimal cropping pattern and its impact on rural poverty in the Arzuiyeh District of Baft County, Kerman Province. J Agric Econ. 2010; 4(2): 183-209. [Persian]

19. Ghadiri M, Rezvani M, Cheraghi M. Analysis of Factors Affecting Sustainable Food Security in Rural Households (Case Study: Zanjan Township). J Rural Res. 2016; 7(4): 73-78. [Persian]

20. Jafari Sani M, Bakhshoodeh M. Comparing households' poverty and food insecurity in rural and urban regions of Khorasan. Tehran: 6th National Conference of Agricultural Economics; 2008. p.103-123. [Persian]

21. Rose D. Economic determinants and dietary consequences of food insecurity in the United States. J Nutr. 1999; 129: 517-520.

22. Piaseu N, Mitchell P. Household food insecurity among urban poor in Thailand. J Nutr. 2004; 134(2): 115-121.

23. Moghaddas A, Sharafi Z. Examining the Motivating Factors behind the Tendency toward International Migration among Young People Aged 18–30 in the Cities of Shiraz and Arsanjan. Iranian Journal of Sociology. 2000; 10(1): 162-190. [Persian]

24. Tamanna S. Foundations of Demography of Tehran. Tehran: Payame Noor University Publication; 2010. [Persian]

25. Vosooghi M. Sociology of Social and Cultural Issues in Rural Areas. Tehran: Publication of the Organization of Municipalities and Rural Administrations of Iran; 2005. p.49. [Persian]

26. Conway D. Globalization of Labor: Increasing Complexity, More Unruly. Edited by Conway D, Notleyne M. In: Globalization Contradiction: Geographies of Discipline, Destruction and Transformation. London and New York: Routledge; 2006.

27. Zanjani H. Migration. Tehran: Samt Publications; 2015. [Persian]

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

28. Hafeznia M, Ahmadipoor Z, Ghaderihajeb M. Politics and Space. Tehran: Papoli Publications; 2015. [Persian]

29. Dasgupta B. Public Housing and Migration: A Multi-Level Modeling Approach. International Journal of Population Geography. 1993; 3: 277-300.

30. Yousefi A, Asadi H, Afshari M. Assessment of Multidimensional Poverty among Nomadic Tribes in Iran. Journal of Agricultural Economics. 2013; 7(2): 47-67. [Persian]

31. Charney H. Migration and Public Sector: A Survey. Alberta Regional Study. 1993; 27(4): 313-326.

32. Bilsborrow R. Migration, Urbanization and Development: Directions and Issues. New York: United Nations Population Fund Publishers; 1993. p.277.

33. Richard M. Political Geography: A New Introduction. Tehran: Publications of the Armed Forces Organization; 2012. [Persian]

34. Akbari N, Zahedi M, Zahedi M. Measuring the Risk of Crop Cultivation in Hamadan Province Using Mathematical Programming under Conditions of Risk and Uncertainty. Journal of Agricultural Economics. 2008; 14(6): 63-82. [Persian]

35. Esmaeilzadeh H, Safarkhani R, Mahmoudi H. An Analysis of the Development Level of Rural Areas in the Counties of Kermanshah Province. Journal of Human Geography Research. 2018; 50(2): 355-374. [Persian]

36. Aliabadi S, Gholizadeh H, Mohebpoor N. An Examination of the Economy of Nomadic Productions in the Mianeh Ecosystem. Meyaneh: 1st National Conference on Emerging Trends in Accounting and Management; 2016. [Persian]

37. Danso H. Dimensions and Indicators for Sustainable Construction Materials: A Review. Research and Development in Material Science. 2018; 3(4): 1-9.

38. Bris K, Kuchukali S. Availability of Renewable Energy Sources in Turkey: Current Situation, Potential Government Policies and the E.U. Perspective. Energy Policy. 2012; 42: 377-391.

39. Vahabi S, Bahrami H. Identification and Ranking of Factors Affecting Drinking Water Demand Management: A Case Study of the Regional Water and Wastewater Company of Tehran. Shiraz: National Conference on the Millennium and Humanities; 2015. [Persian]

40. Ahmadi S, Mirfardi A, Zarei GH. Examining the Relationship between Responsibility and the Tendency toward Water Conservation. Journal of Applied Sociology. 2013; 24(2): 185-200. [Persian]

41. Panahi F, Malekmohammadi I. Optimal Management of Agricultural Water Resources: A Step toward Sustainable Development. Isfahan: The 2nd National Seminar on Drought Effects/Management; 2009. [Persian]

42. Rezaei H, Saadat S. From the Collapse of Civilizations to Holoculture: The Environment as a Key Factor. Yazd: 1st International Conference on Holoculture; 2017. [Persian]

43. Saffari A, Jafari F, Tavakoli M. Monitoring Land Subsidence and Its Relationship with Groundwater Extraction: A Case Study of Karaj-Shahriar Plain. Journal of Quantitative Geomorphological Research. 2018; 5(2): 82-93. [Persian]

44. Roozitalab MH, Siadat H, Farshad A. The Soils of Iran. Heidelberg: Springer International Publishing; 2018.

45. Rezaei H, Shahbazi K, Saadat S, Bazargan K. Assessment of Soil and Agricultural Product Pollution in Iran. Journal of Land Management. 2022; 10(1): 61-93. [Persian]

46. Navidi M, Asadirahmani H, Chatrnoor M, Kharazmi R, Jamishidi M, Ziaeijavid A, et al. Changes in Agricultural Land Use as a Threat to Food Security. Journal of Land Management. 2023; 11(2): 229-248. [Persian]

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.